

قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
مَنْ أَحْبَبَ سُنَّتِي عِنْدَ فُسَادِ أُمَّتِي فَلَهُ أَجْرُ مِائَةِ شَهِيدٍ

تأليف شریف حسن المفسرین سید المحدثین حافظ آیات العلماء جامع احادیث سید
المرسلین عارف بالحدیث آیات اللہ الباری محمد بن اسماعیل البخاری المتوفی ۲۵۵ھ
رحمۃ اللہ علیہ سالقہ العینین کاشف الشکوک الرین واقع لکھنؤ الشہر مسیحیہ

جزء رفع اليدين في الصلاة

مع ترجمہ اردو و شرح لفظ حسن اردو و مدخلہ

بإتمام باجران ناچیر فقیر اللہ و عبد القادر و عبد العزیز زرقم اللہ یا نا کا ملا و زرقا و
و رسالہ جز الفراء الفاتحہ خلف الامام البخاری فی موضوعات کبیر للقاری سید
و تعقبات سیوطی علی موضوعات ابن الجوزی زیر طبع است انشاء اللہ بآتمام

در مطبع محمدی واقع لاھور مطبوع
سنہ ۱۳۰۳ھ ہجریہ مقدسہ

بسم الله الرحمن الرحيم

شمہ احوال امام بخاری محمد بن اسماعیل صاحب صحیح بخاری رحمۃ اللہ علیہ

مؤلف ساله هذا الكتاب تان المحي ثين مصنف شاه عبد العزيز محمد شاد و لهو محي حاتم الله عليه صنفه مطبعه

در حالت طغولیت هر دو چشم او را نزد بشارت عاری گشته بود و مادرش را این سبب تلقی نمیداد و میگوید که حال میماند زدی
حضرت تبارک و تعالی علیه الصلوة و السلام را بخوابید که گویا میفرمود خوش باش که خصلت بشارت بهر ترا باز عیان نمیدارد
داین سبب بشاری را دعا و گریه زاری نیست هیچ که برخاست چشم پر از دنیا دید و ده که بود که در کتب بهر جام
حدیث شنیدند و ریا و گرفتاری در همان سن سال مشغول بپاد کردن حاکمیت بود و چون از کتب آتش خصلت از
علماء حدیث در بخاری شنید که مشهور با ضل بود نزد او آمد و در وقت شرف کزونی دخیلی از نسخه خود بر مردم حاجت
میحواند و از شاه خواندن زبان و جاری شد که سفیان بن عیسی از زبیر بن جریس بخاری میباورت کرده گفت که حضرت
ابو الزبیر از ابراهیم روایت ندارد و دخیلی از تهنیت که در بخاری با نگفت که در حقیقت باصل نسخه خود باید فرو مو پس داخل خانه
رفت و در اصل نسخه نظر نمود پس از خانه برآمد و گفت که این طفل را طلبند چون بخاری حاضر شد گفت چیزی که خوانده
بودم البته غلط برآمد باری که بگویم صحیح چگونه است بخاری گفت که در اصل سفیان بن عیسی از زبیر بن عدی عن ابراهیم است
و دخیلی بیان شده گفت که فی الواقع چنین است ایست علم برداشت و نسخه قرأت را تصحیح نمود و این قصه را در سن ۱۰۰
سالگ اتفاق افتاده هرگاه شانزده باشد تمام کتابها بر این مبارک یا گرفت و نسخه کوچ را از برادر و از برادر مادر و
برادرش که احد نام داشت برای حج بکه معطر و داده شد چون از حج فارغ شدند مادرشش برادرش بوطن رجوع کردند
و او در بلاد حجاز برای طلب بیت متوقف ماند چون شزده سال شد تصنیف آغاز نهاد و در فضائل صحابه و تابعین
اقادیل ایشان تصنیف است و درخت و آخر آنهم را مجموع و در تسبیح کتب التاریخ پر و درخت و کتاب التاریخ
نزد قبر رسول مطهر تبیین نموده و در تسبیح ایام تاسیخ نوشت بخاری گفت که هیچ سنی در تاریخ من مذکور نیست
مگر که قصه رازی از قصص و یا و دارم لیکن ترسیم که اگر آن هم قصه درین کتاب درج کنم موجب تقویل و طلال
شماران خواهد شد حامد بن اسحاق که یکی از محدثان عصر اوست میگوید که بخاری همراه و طلب حدیث پیش
شیوخ وقت آمد و در وقت سیکر و در گز و دانت و قلم و مجرب و سنی بر داشت و هیچ سنی نوشت ماوراء القیم که ترا این آمد
رفت چه فایده است چون به هیچ سنی نویسی آنچه میشنوی از یاد میرود چون با دور یک گوش می در آید و از
گوش دیگر می در آید بعد از آن از زده روز گفت که شما بسیار مرا تنگ کردید حالا بیارید آنچه شما نوشته اید و محفل را
با و مقابل کنید و درین مدت ایازده هزار حدیث نوشته بودیم این همه را از یاد خواندن گرفت و از بقدر بصیحت
که مانده است خود را از خوانده او تصحیح میکردیم بعد از آن گفت که شما میپندارید که من عیث سرگردانی میکنم از جان روز

یقین کردیم که این شخص شدنی است و کسی با وی برابری نخواهد کرد و سبب تصنیف این جامع صحیح و ارجحین شد
که روشنی در مجلس اسحاق بن راهویه حاضر بود و یاران اسحاق بن راهویه گفتند که اگر کسی توفیق یابد و مختصری در سنن جمع
نماید و بر احادیث صحیح که بدرجاء علوی صحیح باشد بیاورد و آنکه نکند چه خوب باشد که عمل کنندگان بی و غدغه و میراجعت
بمجتهدین بدان عمل نمایند این سخن در دل بخاری جا کرد و از آن زمان وقت تصنیف این جامع بخاطرش افتاد و
از جمله شش لکحه حدیث که نزد او موجود بود و انتخاب شروع کرد و آنچه بسیار صحیح بود بر همان اکتفا نمود و بعضی احادیث
صحیح که هم باین درجه رسیدند ترک هم کرده بخوف تطویل یا یوچی دیگر و برای نوشتن هر حدیث غسل
بجای آورد و در وقت می گذارد و در هر عصره شانزده سال از انتخاب این احادیث فارغ گردید و چون
که آن احادیث را بر مضامین آن تطبیق دهد و این را در معرفت محدثین ترجمه گویند در دیدن منویها پیوست
ببارک منبر اطراف آن سرور علیه الصلوة و السلام العلی الاکبر این مهم را سرانجام داد و در وقت نوشتن هر ترجمه
او ایمنی نمود با جمله بحسن است و این جامع بان حد مقبول افتاد که در حیات و این کتاب بلاد مسطرازی و فخر
کشند که آخر همه فرستاد و با جهت بجهت علم و سناد و دایت او مثال گشته و از نو در بخاری آنست که میگفت
که من امید دارم که مراد و حساب از غیبت کسی نرسد که هیچ کس غیبت نکرده ام و این تدرع و تعفف بسیار
عجیب است و او را بر سنت صالحین مبتلا و جنتی در پیش آمد که خالد بن احمد فلی امیر بخارا و در تکلیف داد و او که بخارا
آمد پس بران مراجع جامع و تاریخ و دیگر کتب خود درس میگفته باشد بخاری گفت که این علم علم حدیث است این را
ذلیل نمیکنم اگر ترا غرض باشد پس بران خود را و مجلس من بفرس تا بدستور طلبه دیگر تحصیل نمایند اگر گفت
اگر چنین است پس باید که در وقت حضور پس بران من کسی از دیگر طلبه بآزمای و نجابت چه بدان من برادر
استاده باشند من قبول نمیکند که در مجلس پس بران من باشند هر سکان و حاکم پهلوانان ایشان
باشد بخاری این هم قبول نداشت گفت که این علم میراث پیغمبر است تمام است در آن شریک است خاص
به کسی نمیشود باین گفت و شنید امیر نکرده بخاری دل گران کرد و در وقت در خاطر طریفین روز بروز تراشید و
تا آنکه امیر نکرده این ابی الورد قاصد دیگر علماء نظام آنوقت را با خود رفیق ساخته و رند سبب بخاری و در جهت او
طعن و تخطئه آغاز نهاده محضی و رست ساخته بخاری از بخارا خارج کردند چون بخاری از بخارا آمد
و رند سبب آبی و عاف فرمود که بار خدا یا این مردم را مبتلا کن بچیزی که مرا می خواهند که برسانند کم از یک ماه گذشته
بود که خالد بن احمد معزول شد و حکم خلیفه رسید و او را بر خور سوار کرده تشهیر نمایند و آخر حال او بحال تنهایی
چنانچه در تواریخ معروف و مسطور است و حرث بن ابی الورد قاصد را سواخی و فضیلت عظیم در تامل رسید
و یکی دیگر را از علماء آنوقت که درین امر شریک شده بود آفتاب و ما رسید و بخاری هم درین غربت و آه نیشا پو

فرستاد
توسعه نام
بجای

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قال ابو عبد الله محمد بن اسماعيل بن ابراهيم البخاري رحمه الله عليه في كتابه
 رفع الايكة في الصلوة عند الركوع واذا رفع راسه من الركوع واظهر على العجم في ذلك
 تكلفا لا يغنيه فيما ثبت عن رسول الله صلى الله عليه وسلم في فعله وروايته
 عن اصحابه ثم فعل امير المؤمنين صلى الله عليه وسلم والتابعين من اقتداء
 السلف في صحة الاخبار بعرض الثقة عن الثقة من الخلف العدل فيهم
 وانجزهم ما وعدهم على ضغينة صدره وحرقة قلبه ونفارا عن سيرة رسول
 الله صلى الله عليه وسلم لما يحمله واستكبان وعدا ولا هاهنا تشويب
 لحمة وعظامه ومجته واكسبه باحتفاء العجم حوله اغترادا وقال النبي
 صلى الله عليه وسلم لا تزال الاطاعة من امتي قائمة على الحق لا يضركم
 من خذل لهم ولا خلاؤهم من خالفهم ما مضى ذلك ابدا في جميع سيرة
 رسول الله صلى الله عليه وسلم تعالى عليه سلام احياء ما اميتة وان كان فيها بعض
 التقصير بعد الاحتياط والارادة على صدق النية وان يقام للاسوة في رسول
 الله صلى الله عليه وسلم بما ابيح على الخلق في افعال رسول الله صلى الله عليه وسلم
 عليه سلام في خير عنمية حتى يعزى ترك فعل من فعله او ترك ما امر رسول
 الله صلى الله عليه وسلم مما امر الله خلقه وفرض عليهم طاعته وجب عليهم
 اياه وطاعتهم له طاعة نفسية في كل من وطع فقال وما اتاكم الرسول
 فخذوه وما نهاكم عنه فانتهوا وقال من يطع الرسول فقد اطاع الله و

بسم الله الرحمن الرحيم
 قال ابو عبد الله محمد بن اسماعيل بن ابراهيم البخاري رحمه الله عليه في كتابه
 رفع الايكة في الصلوة عند الركوع واذا رفع راسه من الركوع واظهر على العجم في ذلك
 تكلفا لا يغنيه فيما ثبت عن رسول الله صلى الله عليه وسلم في فعله وروايته
 عن اصحابه ثم فعل امير المؤمنين صلى الله عليه وسلم والتابعين من اقتداء
 السلف في صحة الاخبار بعرض الثقة عن الثقة من الخلف العدل فيهم
 وانجزهم ما وعدهم على ضغينة صدره وحرقة قلبه ونفارا عن سيرة رسول
 الله صلى الله عليه وسلم لما يحمله واستكبان وعدا ولا هاهنا تشويب
 لحمة وعظامه ومجته واكسبه باحتفاء العجم حوله اغترادا وقال النبي
 صلى الله عليه وسلم لا تزال الاطاعة من امتي قائمة على الحق لا يضركم
 من خذل لهم ولا خلاؤهم من خالفهم ما مضى ذلك ابدا في جميع سيرة
 رسول الله صلى الله عليه وسلم تعالى عليه سلام احياء ما اميتة وان كان فيها بعض
 التقصير بعد الاحتياط والارادة على صدق النية وان يقام للاسوة في رسول
 الله صلى الله عليه وسلم بما ابيح على الخلق في افعال رسول الله صلى الله عليه وسلم
 عليه سلام في خير عنمية حتى يعزى ترك فعل من فعله او ترك ما امر رسول
 الله صلى الله عليه وسلم مما امر الله خلقه وفرض عليهم طاعته وجب عليهم
 اياه وطاعتهم له طاعة نفسية في كل من وطع فقال وما اتاكم الرسول
 فخذوه وما نهاكم عنه فانتهوا وقال من يطع الرسول فقد اطاع الله و

[illegible]

الحطاب وعلي بن ابي طالب وام دم دارضا الله

[illegible][illegible]

(Faint handwritten notes at the bottom of the page)

[illegible]

قال عبد الله بن الزبير كذا هدى بن شهاب ان لفلان على فلان اربعة اوقية
وشهاب اخر انه لم يقر بشيء يعمل بقوله الشاهد بن وديق قط ما سواه وكذلك
قال بلال رايت النبي صلى الله عليه وسلم في الكعبة وقال الفضل بن عباس لم يصلي
احد الناس بقوله بلال الا قد شاهدت ولم يلتفتوا الى قولهم قال لم يصلي حين
ليحفظ قال عبد الرحمن بن مهزيك ذكرت للشوري حدث النفساء عن ابي
بن كليب فانكره حدثنا عبد الله بن يوسف ان ابا مالك عن ابن شهاب
عن سالم بن عبد الله عن ابيه ان رسول الله صلى الله عليه وسلم كان يرفع
يده عند منكب يمينه في الصلوة واذا اكبر للركوع واذا رفع راسه من الركوع
رفع يدهما كذلك كان لا يفعل ذلك في السجود ابيون بن
سليم ثنا ابو بكر بن ابي وديع عن سليمان بن بلال عن ابي العلاء انه سمع
ابن عبد الله ان اياه كان اذا رفع راسه من السجود واذا اراد ان يقوم رفع يده
حدثنا عبد الله بن صالح ثنا الليث اخبرني نافع ابن عبد الله
بن عمر كان اذا استقبل الصلوة رفع يديه قال واذا ركع واذا رفع راسه
من الركوع واذا قام من السجود بين كبر حدثنا احمد بن محمد بن الوليد
بن مسلم قال سمعت زيد بن واقد يحدث عن نافع ان ابن عمر رضي الله تعالى
عنهما كانا اذا راى جلا لا يرفع يده اذ ركع واذا رفع راسه بالحق قال البخاري
ويروى عن ابي بكر بن عياش عن حصين عن عطاء بن ابي رباح عن ابي عبد الله
عنه ما رفع يده الا في الصلاة والتكبير وروى عنه اهل العلم انه لم يحفظ من ابن عمر
ان يكون ساهما كما يسهل الوجه في الصلوة في الشيء بعد الشيء كما ان صحاح

الشيء في الصلاة والتكبير وروى عنه اهل العلم انه لم يحفظ من ابن عمر
ان يكون ساهما كما يسهل الوجه في الصلوة في الشيء بعد الشيء كما ان صحاح
الشيء في الصلاة والتكبير وروى عنه اهل العلم انه لم يحفظ من ابن عمر
ان يكون ساهما كما يسهل الوجه في الصلوة في الشيء بعد الشيء كما ان صحاح

الشيء في الصلاة والتكبير وروى عنه اهل العلم انه لم يحفظ من ابن عمر
ان يكون ساهما كما يسهل الوجه في الصلوة في الشيء بعد الشيء كما ان صحاح

صلى الله تعالى عليه وسلم رجا بيته في الصلوة فيسلمون في الركعتين في الصلاة
الأكبرى أن بن عمر رضي الله تعالى عنهما كان يرفع يده عن الركعة الأولى بالخطبة فكيف
يذكر بن عمر شيئا يرويه غيره وقد رأى النبي صلى الله عليه وسلم بالخطبة فكيف
قال البخاري قال يحيى بن معين حدثني أبي بكر عن حصين بن مائة هون
من أصل أحمد ثنا محمد بن يوسف ثنا عبد الله بن مسهر ثنا
عبد الله بن العلاء بن زبير ثنا أحمد بن المهاجر قال كان عبد الله بن عمر
سألني أن استاذن له على محمد بن عبد الله بن عيسى فاستاذنت له عليه فبقا الذي
جلد خام في أن رفع يديه أنصتا السؤدب عليه ففعل فلما في المديته فلم
يأذن لي ليقال البخاري وكان زائدة لا يجحدت إلا أهل السنة اقتصدوا بالسلف
ولقد حرقوا من أهل الجاهلية فرجعية إلى محمد بن يوسف بالشام فإرادته
انخراجهم منها حتى تابوا من ذلك ورجعوا إلى السبيل في السنة ولقد رأينا
غير واحد من أهل العلم يستنبطون أهل الخلاف فان تابوا ولا اخرجوا من
هجالهم ولقد كالم عبد الله بن الزبير سليمان بن حرب وهو يومئذ قاضي
مكة أن يجبر على بعض أهل الرأي فخرج عنه سليمان فذكرني بخبري يمكن أن
يفتح حتى يخرج عنها أحمد ثنا مالك بن أسد عيل ثنا شريك عن ابن شريك
قال رأيت ابن عباس وابن الزبير وأبا سعيد جابر رضي الله تعالى عنهم
يرفعون أيديهم إذا افتتحو الصلوة وإذا ركعوا أحمد ثنا محمد بن أحمد
ثنا أبو شهاب بن عبد بن محمد بن يحيى عن عبد الله بن محمد بن أحمد بن محمد
ابن هريفة رضي الله تعالى عنه أنه كان إذا ركع رفع يديه وإذا ركع

[illegible][illegible]

قال عبد الله بن مسعود رضي الله عنه صلى الله عليه وسلم اصلوة فقام فذكر ورفع يديه ثم ركع
فطابق يديه فجعلها بين رجليه فسلم ذلك فقال صدقوا اني
الا بل قد فعل ذلك في اول الاسلام ثم اهرقنا هذا قال البخاري وهذا المحدث
عند اهل النظر من حديث عبد الله بن مسعود عن النبي صلى الله عليه وسلم
سفيان بن عيينة بن زياد بن ابي نجياد عن ابي ليلى عن ابي البراء رضي الله تعالى
ان النبي صلى الله عليه وسلم كان يرفع يديه اذا ركع قال سفيان لما كان في الشيعه فقام
لم يحد فقال ثم ابعث قال البخاري وكان ذلك ركعا فقام من بين يديه
بن ابي زياد قد يمازهم التورعي وشعبة وزهير ليس فيه ثم لم يجد
شعير بن جهم عن ابي اسحق عن ابي زياد عن ابي ليلى عن ابي البراء
الله تعالى قال كان النبي صلى الله عليه وسلم يرفع يديه اذا ركع هذا اذني
قال البخاري ومروى في صحيح ابن ابي ليلى عن ابي البراء رضي الله تعالى
عن ابن ابي ابي البراء رضي الله تعالى قال رايت النبي صلى الله تعالى عليه وسلم
يرفع يديه اذا ركع ثم يرفع قال البخاري واشارون بن ابي ليلى هذا من حفظ
فاما ما حدثت عن ابن ابي ليلى من كتابه فاما حديث ابن ابي ليلى عن ابن
رفع اليك حديثي بن زيد والحفوظ ما رو عنه التورعي وشعبة وابن
عبيدة قال البخاري قال البخاري فاما حديثي ثم بعض من لا يعلم بحديث وكيع عن
عن ابي اسحق عن المسيب بن رافع عن عويم بن طرفة عن جابر بن هرة رضي الله
عنه قال دخل علينا النبي صلى الله عليه وسلم ونحن يا فخرنا في الصلوة فقال
صلى اراكم راغب اليكم كأنها اذا نزلت في شمس اسكنوا في الصلوة فاما

هذا الحديث من حديث عبد الله بن مسعود عن النبي صلى الله عليه وسلم
فطابق يديه فجعلها بين رجليه فسلم ذلك فقال صدقوا اني
الا بل قد فعل ذلك في اول الاسلام ثم اهرقنا هذا قال البخاري وهذا المحدث
عند اهل النظر من حديث عبد الله بن مسعود عن النبي صلى الله عليه وسلم
سفيان بن عيينة بن زياد بن ابي نجياد عن ابي ليلى عن ابي البراء رضي الله تعالى
ان النبي صلى الله عليه وسلم كان يرفع يديه اذا ركع قال سفيان لما كان في الشيعه فقام
لم يحد فقال ثم ابعث قال البخاري وكان ذلك ركعا فقام من بين يديه
بن ابي زياد قد يمازهم التورعي وشعبة وزهير ليس فيه ثم لم يجد
شعير بن جهم عن ابي اسحق عن ابي زياد عن ابي ليلى عن ابي البراء
الله تعالى قال كان النبي صلى الله عليه وسلم يرفع يديه اذا ركع هذا اذني
قال البخاري ومروى في صحيح ابن ابي ليلى عن ابي البراء رضي الله تعالى
عن ابن ابي ابي البراء رضي الله تعالى قال رايت النبي صلى الله تعالى عليه وسلم
يرفع يديه اذا ركع ثم يرفع قال البخاري واشارون بن ابي ليلى هذا من حفظ
فاما ما حدثت عن ابن ابي ليلى من كتابه فاما حديث ابن ابي ليلى عن ابن
رفع اليك حديثي بن زيد والحفوظ ما رو عنه التورعي وشعبة وابن
عبيدة قال البخاري قال البخاري فاما حديثي ثم بعض من لا يعلم بحديث وكيع عن
عن ابي اسحق عن المسيب بن رافع عن عويم بن طرفة عن جابر بن هرة رضي الله
عنه قال دخل علينا النبي صلى الله عليه وسلم ونحن يا فخرنا في الصلوة فقال
صلى اراكم راغب اليكم كأنها اذا نزلت في شمس اسكنوا في الصلوة فاما

هذا الحديث من حديث عبد الله بن مسعود عن النبي صلى الله عليه وسلم

وعلى بن عبد الله بن جعفر بن يحيى بن معين واحمد بن حنبل واسحق بن
 راهويه هؤلاء اهل العلم من يابن اهل زمانهم فلم يثبت عندنا حديثهم
 علم في ترك رفع الايدي عن النبي صلى الله عليه وسلم ولا عن احده من
 اصحاب النبي صلى الله عليه وسلم انه لم يرفع يديه **حدثنا** احمد بن محمد بن
 شهاب بن عبد الله بن شهاب عن ابن شهاب انهما كانا يقولان اذ اكبر
 احداكم للصلاة فليرفع يديه حين يكبر وحين يرفع راسه من الركوع
 وكان ابن سيرين يقول هو من تضام الصلوة **حدثنا** ابو اليمان
 ابو اشعث عن ابن عمر عن النبي صلى الله عليه وسلم ان عبد الله بن عمر رضى
 الله عنهما قال لايت رسول الله صلى الله عليه وسلم اذ افتتح التكبيرة
 في الصلوة رفع يديه حين يكبر حتى يجلس احدا ومنكبه واذا اكبر
 للركوع فعل مثل ذلك واذا قال سمع الله ان حمد فعل مثل ذلك وقال
 ربيعة بن الحارث ولا يفعل ذلك حين يسجد ولا حين يرفع راسه من السجود
 قال البخاري وكان ابن المبارك يرفع يديه وهو اكبر اهل زمانه علما فيما
 يعرف فلو لم يكن عند من لم يعلم من السلف علم فافتتحت بالبائس فيما
 اتبع الرسول واصحابه والتابعين كان أولى بهم ان يتبع بقل من لا يعلم
 العجيب ان يقول احدهم كان ابن عمر صغيرا في عهد النبي صلى الله عليه وسلم
 وسلم ولقد شهد النبي صلى الله عليه وسلم لابن عمر والصلوة **حدثنا**
 يحيى بن سليمان بن ابي وهيب عن يونس عن سالم بن عبد الله عن ابي
 حفصة رضى الله عنهما ان رسول الله صلى الله عليه وسلم قال لا عبد الله

عن علي بن عبد الله بن جعفر بن يحيى بن معين واحمد بن حنبل واسحق بن راهويه هؤلاء اهل العلم من يابن اهل زمانهم فلم يثبت عندنا حديثهم علم في ترك رفع الايدي عن النبي صلى الله عليه وسلم ولا عن احده من اصحاب النبي صلى الله عليه وسلم انه لم يرفع يديه حدثنا احمد بن محمد بن شهاب بن عبد الله بن شهاب عن ابن شهاب انهما كانا يقولان اذ اكبر احداكم للصلاة فليرفع يديه حين يكبر وحين يرفع راسه من الركوع وكان ابن سيرين يقول هو من تضام الصلوة حدثنا ابو اليمان ابو اشعث عن ابن عمر عن النبي صلى الله عليه وسلم ان عبد الله بن عمر رضى الله عنهما قال لايت رسول الله صلى الله عليه وسلم اذ افتتح التكبيرة في الصلوة رفع يديه حين يكبر حتى يجلس احدا ومنكبه واذا اكبر للركوع فعل مثل ذلك واذا قال سمع الله ان حمد فعل مثل ذلك وقال ربيعة بن الحارث ولا يفعل ذلك حين يسجد ولا حين يرفع راسه من السجود قال البخاري وكان ابن المبارك يرفع يديه وهو اكبر اهل زمانه علما فيما يعرف فلو لم يكن عند من لم يعلم من السلف علم فافتتحت بالبائس فيما اتبع الرسول واصحابه والتابعين كان أولى بهم ان يتبع بقل من لا يعلم العجيب ان يقول احدهم كان ابن عمر صغيرا في عهد النبي صلى الله عليه وسلم وسلم ولقد شهد النبي صلى الله عليه وسلم لابن عمر والصلوة حدثنا يحيى بن سليمان بن ابي وهيب عن يونس عن سالم بن عبد الله عن ابي حفصة رضى الله عنهما ان رسول الله صلى الله عليه وسلم قال لا عبد الله

عن علي بن عبد الله بن جعفر بن يحيى بن معين واحمد بن حنبل واسحق بن راهويه هؤلاء اهل العلم من يابن اهل زمانهم فلم يثبت عندنا حديثهم علم في ترك رفع الايدي عن النبي صلى الله عليه وسلم ولا عن احده من اصحاب النبي صلى الله عليه وسلم انه لم يرفع يديه حدثنا احمد بن محمد بن شهاب بن عبد الله بن شهاب عن ابن شهاب انهما كانا يقولان اذ اكبر احداكم للصلاة فليرفع يديه حين يكبر وحين يرفع راسه من الركوع وكان ابن سيرين يقول هو من تضام الصلوة حدثنا ابو اليمان ابو اشعث عن ابن عمر عن النبي صلى الله عليه وسلم ان عبد الله بن عمر رضى الله عنهما قال لايت رسول الله صلى الله عليه وسلم اذ افتتح التكبيرة في الصلوة رفع يديه حين يكبر حتى يجلس احدا ومنكبه واذا اكبر للركوع فعل مثل ذلك واذا قال سمع الله ان حمد فعل مثل ذلك وقال ربيعة بن الحارث ولا يفعل ذلك حين يسجد ولا حين يرفع راسه من السجود قال البخاري وكان ابن المبارك يرفع يديه وهو اكبر اهل زمانه علما فيما يعرف فلو لم يكن عند من لم يعلم من السلف علم فافتتحت بالبائس فيما اتبع الرسول واصحابه والتابعين كان أولى بهم ان يتبع بقل من لا يعلم العجيب ان يقول احدهم كان ابن عمر صغيرا في عهد النبي صلى الله عليه وسلم وسلم ولقد شهد النبي صلى الله عليه وسلم لابن عمر والصلوة حدثنا يحيى بن سليمان بن ابي وهيب عن يونس عن سالم بن عبد الله عن ابي حفصة رضى الله عنهما ان رسول الله صلى الله عليه وسلم قال لا عبد الله

عن محمد بن عبد الله بن عمار عن ابي عبد الله عليه السلام قال قال عمر قال ابن
عمر اني لا اذكر عمر حين اسلم فقال الوصية عمر صبا فبما العاص بن وائل ففقا
صبا عمر فنه فاناله جار فتركوه قال البخاري وطعن من لا يعلم فقال
في وائل بن حجران وائل بن حجر بن ابي بكر مولى النبي صلى الله عليه وآله وسلم
عليه السلام قال رحمه الله واقطع له ارضا وبعث معه معاوية بن ابي سفيان رضي الله
تعالى عنه اخيرا فاحض بن عمر ثما جامع بن مطير عن علقمة بن وائل
عن ابيه ان النبي صلى الله تعالى عليه وسلم اقطع له ارضا وبعث معه
معاوية بن ابي سفيان رضي الله تعالى عنه اخيرا فاحض بن عمر قال
حدثنا جامع بن مطير عن علقمة بن وائل عن ابيه ان النبي صلى الله تعالى
عليه وسلم اقطع له ارضا فاحض بن عمر قال البخاري وعلقمة بن وائل
العلم وادكر النبي صلى الله تعالى عليه وسلم في ابيه وما اعطاه معروف بن هب
الى النبي صلى الله تعالى عليه وسلم هرة بعد مرة وكونت عين ابن مسعود في البر
وجابر رضي الله تعالى عنهم عن النبي صلى الله تعالى عليه وسلم شيء فكان في
عليه السلام انهم يقولون اذ اثبت النبي صلى الله تعالى عليه وسلم
عليه السلام ان رؤساء نالوا خذوا اليه وليس هذا بما خوفنا ريدون الخ
للا لقاء بالهم وكفد قال وكيع من طلب الحديث كما جاء فهو صاحب حديث
ومن طلب الحديث ليقتوي هواه فهو صاحب حديث عني بنى الانسان ينبغي ان يلقى
رايه الحديث النبي صلى الله تعالى عليه وسلم حيث يثبت الحديث ولا يعمل على
الا يصح ليقتوي هواه وقد ذكر عن النبي صلى الله تعالى عليه وسلم لا يوم احد

عن محمد بن عبد الله بن عمار عن ابي عبد الله عليه السلام قال قال عمر قال ابن
عمر اني لا اذكر عمر حين اسلم فقال الوصية عمر صبا فبما العاص بن وائل ففقا
صبا عمر فنه فاناله جار فتركوه قال البخاري وطعن من لا يعلم فقال
في وائل بن حجران وائل بن حجر بن ابي بكر مولى النبي صلى الله عليه وآله وسلم
عليه السلام قال رحمه الله واقطع له ارضا وبعث معه معاوية بن ابي سفيان رضي الله
تعالى عنه اخيرا فاحض بن عمر ثما جامع بن مطير عن علقمة بن وائل
عن ابيه ان النبي صلى الله تعالى عليه وسلم اقطع له ارضا وبعث معه
معاوية بن ابي سفيان رضي الله تعالى عنه اخيرا فاحض بن عمر قال
حدثنا جامع بن مطير عن علقمة بن وائل عن ابيه ان النبي صلى الله تعالى
عليه وسلم اقطع له ارضا فاحض بن عمر قال البخاري وعلقمة بن وائل
العلم وادكر النبي صلى الله تعالى عليه وسلم في ابيه وما اعطاه معروف بن هب
الى النبي صلى الله تعالى عليه وسلم هرة بعد مرة وكونت عين ابن مسعود في البر
وجابر رضي الله تعالى عنهم عن النبي صلى الله تعالى عليه وسلم شيء فكان في
عليه السلام انهم يقولون اذ اثبت النبي صلى الله تعالى عليه وسلم
عليه السلام ان رؤساء نالوا خذوا اليه وليس هذا بما خوفنا ريدون الخ
للا لقاء بالهم وكفد قال وكيع من طلب الحديث كما جاء فهو صاحب حديث
ومن طلب الحديث ليقتوي هواه فهو صاحب حديث عني بنى الانسان ينبغي ان يلقى
رايه الحديث النبي صلى الله تعالى عليه وسلم حيث يثبت الحديث ولا يعمل على
الا يصح ليقتوي هواه وقد ذكر عن النبي صلى الله تعالى عليه وسلم لا يوم احد

عن محمد بن عبد الله بن عمار عن ابي عبد الله عليه السلام قال قال عمر قال ابن
عمر اني لا اذكر عمر حين اسلم فقال الوصية عمر صبا فبما العاص بن وائل ففقا
صبا عمر فنه فاناله جار فتركوه قال البخاري وطعن من لا يعلم فقال
في وائل بن حجران وائل بن حجر بن ابي بكر مولى النبي صلى الله عليه وآله وسلم
عليه السلام قال رحمه الله واقطع له ارضا وبعث معه معاوية بن ابي سفيان رضي الله
تعالى عنه اخيرا فاحض بن عمر ثما جامع بن مطير عن علقمة بن وائل
عن ابيه ان النبي صلى الله تعالى عليه وسلم اقطع له ارضا وبعث معه
معاوية بن ابي سفيان رضي الله تعالى عنه اخيرا فاحض بن عمر قال
حدثنا جامع بن مطير عن علقمة بن وائل عن ابيه ان النبي صلى الله تعالى
عليه وسلم اقطع له ارضا فاحض بن عمر قال البخاري وعلقمة بن وائل
العلم وادكر النبي صلى الله تعالى عليه وسلم في ابيه وما اعطاه معروف بن هب
الى النبي صلى الله تعالى عليه وسلم هرة بعد مرة وكونت عين ابن مسعود في البر
وجابر رضي الله تعالى عنهم عن النبي صلى الله تعالى عليه وسلم شيء فكان في
عليه السلام انهم يقولون اذ اثبت النبي صلى الله تعالى عليه وسلم
عليه السلام ان رؤساء نالوا خذوا اليه وليس هذا بما خوفنا ريدون الخ
للا لقاء بالهم وكفد قال وكيع من طلب الحديث كما جاء فهو صاحب حديث
ومن طلب الحديث ليقتوي هواه فهو صاحب حديث عني بنى الانسان ينبغي ان يلقى
رايه الحديث النبي صلى الله تعالى عليه وسلم حيث يثبت الحديث ولا يعمل على
الا يصح ليقتوي هواه وقد ذكر عن النبي صلى الله تعالى عليه وسلم لا يوم احد

حتى يكون هو الله تعالى اجبت به وقد قال عمر اهل العلم كان الاول فالا فالا
اعلم وهو كذا الاخر فالآخر عندهم اعلم ولقد قال ابن المبارك كنت اصل
جنب النعمان بن قيس فرفعت راسي فقال فما صنعت قلت اني فعلت ان لم
اطرح اوله لم اطرح في الثانية قال وكيف رحمه الله على ابن المبارك كان حكا
الجواب فتخير الآخر وهذا المشبه من الذين يوردون في غيرهم اذ لم ينصروا
حدثنا عبد الله بن صالح عن الليث بن سعد عن ابي هريرة عن ابن عباس
عن ابي سلمة بن عبد الله ان عبد الله يعني ابن عباس مر في صلاة فقام
قال ايست رسول الله صلى الله تعالى عليه وسلم اذا قام الى الصلوة رفع يديه
يكوفأخذ ومنكبته ثم يكبر ويفعل حين يرفع راسه من الركوع ويقول
سمع الله من حمد ولا يرفع حين يرفع راسه من السجدة ثم يقول
عبد الواحد بن زياد ثنا عمار بن دينار قال ايست عبد الله بن عمر اذا
الصلوة كبر ورفع يديه واذا اراد ان يكبر رفع يديه اذا رفع راسه من الركوع
حدثنا العباس بن الوليد ثنا عبد الله بن عيسى عن ابي عبد الله عن ابي
عمر عن ابن عمر رضي الله تعالى عنهما انه كبر ورفع يديه اذا ركع ورفع يديه اذا
قال سمع الله المرحوم رفع يديه ورفع ذلك ابن عمر الى النبي صلى الله تعالى
عليه وسلم حدثنا ابراهيم بن المنذر ثنا معمر بن ابراهيم بن طهمان
عن ابي الزبير قال ايست ابن عمر رضي الله تعالى عنهما حين قام الى الصلوة
رفع يديه حتى يجاذي ياذنيه وحين يرفع راسه من الركوع فاستقاما
فعل مثل ذلك حدثنا عبد الله بن صالح عن الليث بن سعد

عن ابي هريرة عن ابن عباس عن ابي عبد الله عن ابي عمر عن ابن عمر رضي الله تعالى عنهما انه كبر ورفع يديه اذا ركع ورفع يديه اذا قال سمع الله المرحوم رفع يديه ورفع ذلك ابن عمر الى النبي صلى الله تعالى عليه وسلم حدثنا ابراهيم بن المنذر ثنا معمر بن ابراهيم بن طهمان عن ابي الزبير قال ايست ابن عمر رضي الله تعالى عنهما حين قام الى الصلوة رفع يديه حتى يجاذي ياذنيه وحين يرفع راسه من الركوع فاستقاما فعل مثل ذلك حدثنا عبد الله بن صالح عن الليث بن سعد

حدثنا عبد الله بن صالح عن الليث بن سعد عن ابي هريرة عن ابن عباس عن ابي سلمة بن عبد الله ان عبد الله يعني ابن عباس مر في صلاة فقام قال ايست رسول الله صلى الله تعالى عليه وسلم اذا قام الى الصلوة رفع يديه يكوفأخذ ومنكبته ثم يكبر ويفعل حين يرفع راسه من الركوع ويقول سمع الله من حمد ولا يرفع حين يرفع راسه من السجدة ثم يقول عبد الواحد بن زياد ثنا عمار بن دينار قال ايست عبد الله بن عمر اذا

ان عبد الله رضي الله تعالى عنه كان اذا استقبل الصلوة يرفع يديه واذا
 ركع واذا ارفع راسه من الركوع واذا اقام من السجدة يركع ويضع يديه
حدثنا موسى بن اسماعيل ثنا حماد بن سلمة عن ايوب عن ثابث عن
عمر رضي الله تعالى عنهما ان رسول الله صلى الله عليه وسلم كان اذا ركع رفع يديه
رفع راسه من الركوع حدثنا موسى بن اسماعيل ثنا حماد بن سلمة عن ايوب
عن ثابث عن ابن عمر رضي الله تعالى عنهما ان رسول الله صلى الله عليه وسلم
سلم كان اذا ركع رفع يديه واذا ركع واذا ارفع راسه من الركوع حدثنا
موسى بن اسماعيل ثنا حماد بن سلمة عن ايوب عن ثابث عن ايوب عن
الحسين بن علي بن ابي طالب رضي الله تعالى عنه ان رسول الله صلى الله عليه وسلم
يذكر في الركعة الاولى ثم يقول وذكروا عن النبي بن الحسين رضي الله تعالى عنه
اخبارنا عبد الله بن شريك ان ابا عبد الله عليه السلام كان اذا اقام الصلوة ورفع يديه
عن طائفة من اصحابه عن ابن عباس رضي الله تعالى عنهما كان اذا اقام الصلوة ورفع يديه
حدثنا محمد بن مقاتل انا عافية انا اسمعيل بن محمد بن عيسى
عن الامام عن ابي هريرة رضي الله تعالى عنه قال كان رسول الله صلى الله
تعالى عليه وسلم يرفع يديه كما يركب الصلوة ويحيي بركع

ان عبد الله رضي الله تعالى عنه كان اذا استقبل الصلوة يرفع يديه واذا ركع واذا ارفع راسه من الركوع واذا اقام من السجدة يركع ويضع يديه

ان عبد الله رضي الله تعالى عنه كان اذا استقبل الصلوة يرفع يديه واذا ركع واذا ارفع راسه من الركوع واذا اقام من السجدة يركع ويضع يديه

حد ثنا اسمعيل عن نافع ان عبد الله بن عمر رضي الله تعالى عنهما كان
اذا اقامت الصلاة رفع يديه حذو منكبيه واذا رفع راسه من الركوع
حد ثنا محمد بن مقاتل انه سمع عبد الله بن عمر قال سمعت النعمان
ابن عبيد الله يقول لكانت زينة وزينة الصلاة ان ترفع يديك اكرت
واذا ركعت واذا رفعت راسك من الركوع حد ثنا محمد بن مقاتل انه
سمع عبد الله بن عمر قال سمعت ابا عبد الله بن عمر يقول قال
رفع الابد لكبير قال راه حير في حد ثنا مقاتل بن عبد الله انه
سمع ابي عبد الله عن عطاء قال ايست جابر بن عبد الله واباسم
واين عبيد بن الزبير يرفعون ايديهم حين تفتتح الصلاة واذا ركعوا
واذا ارفعوا رؤسهم من الركوع حد ثنا محمد بن مقاتل انه سمع
عكرمة بن عمار قال ايست سالم بن عبد الله والنفاس بن محمد عطاء ومك
يرفعون ايديهم في الصلاة اذ ركعوا واذا ارفعوا وقال جابر بن عبيد الله
وهما هلهلما كانا نيرفان ايديهما في الصلاة وكانا نافع وطاوس
وعن ايست عن ابن عمر وسعيد بن جبير وطاوس واحصا ابا انهم كانوا
يرفعون ايديهم اذ ركعوا حد ثنا محمد بن اسمعيل ثنا عبد الواحد
بن زياد ثنا عامر قال رايت انس بن مالك رضي الله تعالى عنه اقامت الصلاة
كثيرا ورفعه يديه يرفع يديه كلما ركع ورفع راسه من الركوع حد ثنا
خليفة بن خياط ثنا يزيد بن ربيع ثنا سعيد عن قتادة ان فضيل بن
عامر حد عن مالك بن الحويرث رضي الله تعالى عنه قال رايت النبي صلى الله

حد ثنا اسمعيل عن نافع ان عبد الله بن عمر رضي الله تعالى عنهما كان اذا اقامت الصلاة رفع يديه حذو منكبيه واذا رفع راسه من الركوع حد ثنا محمد بن مقاتل انه سمع عبد الله بن عمر قال سمعت النعمان ابن عبيد الله يقول لكانت زينة وزينة الصلاة ان ترفع يديك اكرت واذا ركعت واذا رفعت راسك من الركوع حد ثنا محمد بن مقاتل انه سمع عبد الله بن عمر قال سمعت ابا عبد الله بن عمر يقول قال رفع الابد لكبير قال راه حير في حد ثنا مقاتل بن عبد الله انه سمع ابي عبد الله عن عطاء قال ايست جابر بن عبد الله واباسم واين عبيد بن الزبير يرفعون ايديهم حين تفتتح الصلاة واذا ركعوا واذا ارفعوا رؤسهم من الركوع حد ثنا محمد بن مقاتل انه سمع عكرمة بن عمار قال ايست سالم بن عبد الله والنفاس بن محمد عطاء ومك يرفعون ايديهم في الصلاة اذ ركعوا واذا ارفعوا وقال جابر بن عبيد الله وهما هلهلما كانا نيرفان ايديهما في الصلاة وكانا نافع وطاوس وعن ايست عن ابن عمر وسعيد بن جبير وطاوس واحصا ابا انهم كانوا يرفعون ايديهم اذ ركعوا حد ثنا محمد بن اسمعيل ثنا عبد الواحد بن زياد ثنا عامر قال رايت انس بن مالك رضي الله تعالى عنه اقامت الصلاة كثيرا ورفعه يديه يرفع يديه كلما ركع ورفع راسه من الركوع حد ثنا خليفة بن خياط ثنا يزيد بن ربيع ثنا سعيد عن قتادة ان فضيل بن عامر حد عن مالك بن الحويرث رضي الله تعالى عنه قال رايت النبي صلى الله

ابن عامر حد عن مالك بن الحويرث رضي الله تعالى عنه قال رايت النبي صلى الله

عند الركوع واذا رفع رأسه من الركوع ولو صغر الخشعة العريضة عن نافع عن ابن
عمر رضي الله تعالى عنهم لم يكن ثقلها الأول لأن أولها في الارتفاع راس
الركوع فلو ثبت لاستعملنا عليه ما ليس هذا من الخشعة الذي يقابضهم
لأن هذه زيادة في الفعل والزيادة مقبولة إذا ثبت وقال كيع عن ابن أبي
ليلى عن نافع عن ابن عمر رضي الله تعالى عنهما عن ابن أبي ليلى عن الحكم عن عطاء
عن ابن عباس رضي الله تعالى عنهما عن النبي صلى الله تعالى عليه وسلم قال لا يرفع
الأيدي إلا في سبع مواطن في افتتاح الصلوة واستقبال القبلة وعلى الصلوة
والبرقة والتجفأت في سجده وفي المقامتين وعند البزئين قال علي بن ربيعة
البحاري عن ابن أبي ليلى عن الحكم عن عطاء عن ابن عباس رضي الله تعالى
عن النبي صلى الله تعالى عليه وسلم قال شعبة أن الحكم لم يجمع من مقسم إلا أن
أحاديث ليس فيها هذا الخشعة وليس هذا من المحفوظ عن النبي صلى الله تعالى
عليه وسلم لأن ما نافع خالفوا حديث الحكم عن مقسم مرسل وقد روى
طاووس في إجماعه وعطاء أنهم رأوا ابن عباس رضي الله تعالى عنهما رفع يديه
عند الركوع واذا رفع رأسه من الركوع مع أن حديث ابن أبي ليلى لو صغر يرفع
يديه في سبع مواطن لم يقل في حديثه وكيع لا يرفع إلا في هذه المواطن فرفع
في هذه المواطن وعند الركوع واذا رفع رأسه يستعمل هذه الأحاديث كلها وليس هذا بضاد
وقد قال هؤلاء إن لا يكتنف في تكبيرات التعليل الفطر والاصغر وهي البر عشرون تكبيرة في
وليس ذلك حديث ابن أبي ليلى وقد قال بعض الكوفيين يرفع يديه في تكبير الجنادة وهي أربع
وهذا كما يروى عن ابن أبي ليلى وقد روى عن النبي صلى الله تعالى عليه وسلم في سبعين

[illegible]

[illegible]

فقال يا رسول الله فكم الموضع الذي سجدت الأرض وهذا السالك فرفع يده وما
ترى في السماء سحابة فنهض يده حتى رايت بياضا بطيه يستسق الله عز وجل
فما صلبا الجمعة حتى اتم السالك الدار بالرجوع الى اهله فلما تمت جمعة حتى
كانت الجمعة التي تليها قال يا رسول الله محمد بن النبي وجلس الركبان فنتبهم
للسرعة ملائكة بن آدم وقال بيده اللهم حوالينا ولا علينا فمكشطت على المذ
حد ثنا **مسند** **ثنا** **يحيى بن سعيد** عن **جعفر بن محمد** عن **ابي عثمان** قال
كنا نحن وعمر بن الخطاب في القناس فمكشطت بنا عندنا لركوع يرفع يده حتى يبدو
كفاه ويخرج ضبعيه **حد ثنا** **قيصة** **ثنا** **سفيان** عن **ابي علي** هو
جعفر بن ميمون ببايع الامام قال سمعت ابا عقيل قال كان عمر
يرفع يده في القنوت **حد ثنا** **عبد الرحيم** **الحارثي** **ثنا** **زائدة** عن **علي**
عن **عبد الرحمن بن الاسود** عن ابيه عن **عبد الله** انه كان يقرأ في اخر
ركعة من الوتر قل هو الله ثم يرفع يده فيقنت قبل الركعة **قال**
البخاري وهذه الاحاديث كلها صحيحة عن رسول الله صلى الله
تعالى عليه وسلم واصحابنا الاجمالت بعضها بعضا وليس فيها متضاد لانها
في مواطن مختلفة قال ثابت عن انس بن مالك عن ابي عبد الله النبي صلى
الله تعالى عليه وسلم يرفع يده في الدعاء الا في الاستسقاء فاحذر ان يرفع
الله تعالى عنه ما كان عنده ما راى من النبي صلى الله تعالى عليه وسلم
ليس هذا بخلاف لرفع الايدي في اول التكبير وقد ذكرنا في
الله تعالى عنه ايضا ان النبي صلى الله تعالى عليه وسلم كان يرفع يده

[illegible][illegible]

الریبه ولین اولی مع ان طاهو شافا سالک و فافعا و ابا الزبیر و حار ب بن
 دثار و غیر هم قالو اراینا بن عمر یرفع یدیه اذ اکبر و اذ ارکع قالوا لیست
 اسمعیل ثنا امی بن یحیی قال نزل عمر بن عبد العزیز علی باب خلف
 فقال انطلقوا بنا لنشهد الصلوة مع امیر المؤمنین فضد بنا الظهر
 والعصر و رأیناه رفع یدیه حین رکع حید ثنا محمد بن مقاتل انبا
 عبد الله انبا یونس عن الزهری ثنا سالم عن عبد الله بن عمر رضی
 الله تعالی عنهما قال رايت رسول الله صلی الله تعالی علیه وسلم اذا قام فی
 الصلوة رفع یدیه حتی یكون احد و منکبه و کان یفعل ذلک اذا رفع
 رأسه من الركوع فیقول سبغ الله لحن حمدا ولا یفعل ذلک فی السجود
 حد ثنا موسی بن اسمعیل ثنا حماد بن سلمة عن یحیی بن ابی اسحاق
 قال رايت انس بن مالک رضی الله تعالی عنه یرفع یدیه بین السجدة
 قال البخاری و حدیث النبی صلی الله تعالی علیه
 سلم اولی حد ثنا علی بن عبد الله ثنا سفیان ثنا عمرو بن
 دینار عن سالم بن عبد الله قال سنة رسول الله صلی الله تعالی علیه
 وسلم احق ان ینسج حد ثنا قتیبة ثنا سفیان عن عبد الكريم
 عن مجاهد قال لیس حد بعد النبی صلی الله تعالی علیه وسلم الا یؤخذ
 من قوله و یتبرک الا النبی صلی الله تعالی علیه وسلم حد ثنا المذیل بن
 سلیم بن ابی عیسی قال سالت الاوزاعی قلت یا ابا عمر و ما نقول فی رفع الاید
 مع کون کبیرة و هو قائم فی الصلوة قال ذلک لاهل الاول سنة الاوزاعی ان

[illegible]

وانا اسمع عن الايمان فقالوا الايمان يزيد وينقص فمن زعم ان الايمان
 لا يزيد ولا ينقص فهو صاحب بدعة فاحذروه **حد ثنا محمد بن**
عمر بن شاذان عن **ابن حازم** قال سمعت فافعا قال كان ابن عمر رضي الله
 تعالى عنهما اذا اكبر على الجنازة رفع يديه **حد ثنا علي بن عبد الله**
ثنا عبد الله بن اددريس قال سمعت عبد الله بن نافع عن ابن عمر رضي
 الله تعالى عنهما انه قال يرفع يديه في كل تكبيرة على الجنازة واذا قام من
 الركعتين قال **احمد بن يونس** **ثنا** **هشام بن سعيد** عن **سعيد بن نافع**
 اخبره ان عبد الله بن عمر رضي الله تعالى عنهما كان اذا صلى على الجنازة
 رفع يديه **حد ثنا ابو الوليد ثنا عمرو بن ابي زائدة** قال رايت قيس
 بن ابي حازم كتب على جنازة فرفع يديه في كل تكبيرة **حد ثنا محمد**
بن ابي بكر المقدسي ثنا ابو معشر يوسف البراء عن **موسى بن وهب**
 قال رايت ابا ن بن عثمان يصلي على الجنازة يرفع يديه في اول التكبيرة
حد ثنا علي بن عبد الله وابراهيم بن الندي قال **ثنا** **معمر بن عيسى**
ثنا ابو الفضل قال رايت فافع بن جبير يرفع يديه في كل تكبيرة على
 الجنازة **حد ثنا محمد بن اثناس** **ثنا** **الوليد بن مسلم** قال سمعت
 عن **عبد الله بن ابي** قال رايت **عمرو بن عبد العزيز** يرفع يديه مع كل تكبيرة
 يعني على الجنازة **حد ثنا علي بن عبد الله ثنا زيد بن الحباب ثنا**
عبد الله بن العلاء قال رايت **مكحول** يصلي على الجنازة يكثر عليها اربعاً
 يرفع يديه مع كل تكبيرة **حد ثنا علي بن عبد الله ثنا ابو**

۱۸
 وَاِنَا سَمِعُ عَنْ الْاِيْمَانِ فَقَالَ الْاِيْمَانُ يَزِيدُ وَيُنْقُصُ فَمَنْ زَعَمَ أَنَّ الْاِيْمَانَ
 لَا يَزِيدُ وَلَا يَنْقُصُ فَهُوَ صَاحِبٌ بِدْعَةٍ فَاَحَدُ رُؤُةٍ **حَدَّثَنَا** أَحْمَدُ بْنُ
 عَمْرٍو عَنْ شَاهِرِ بْنِ حَازِمٍ قَالَ سَمِعْتُ نَافِعًا قَالَ كَانَ ابْنُ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ
 تَعَالَى عَنْهُمَا إِذَا اكْبَرُ عَلَى الْجَنَازَةِ رَفَعَ يَدَيْهِ **حَدَّثَنَا** عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ
ثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَبِي دُرَيْسٍ قَالَ سَمِعْتُ عَبْدَ اللَّهِ عَنْ نَافِعٍ عَنْ ابْنِ عُمَرَ
 اللَّهُ تَعَالَى عَنْهُمَا أَنَّهُ قَالَ يَرْفَعُ يَدَيْهِ فِي كُلِّ تَكْبِيرَةٍ عَلَى الْجَنَازَةِ وَإِذَا قَامَ مِنَ
 الرُّكُوعِ قَالَ أَحْمَدُ بْنُ يُونُسَ شَاهِرُ بْنُ حَازِمٍ **ثَنَا** سَعِيدُ بْنُ سَعِيدٍ أَنَّ نَافِعًا
 أَخْبَرَهُ أَنَّ عَبْدَ اللَّهِ بْنَ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ تَعَالَى عَنْهُمَا كَانَ إِذَا صَلَّى عَلَى الْجَنَازَةِ
 رَفَعَ يَدَيْهِ **حَدَّثَنَا** أَبُو الْوَلِيدِ **ثَنَا** عُمَرُ بْنُ أَبِي زَائِدَةَ قَالَ رَأَيْتُ قَيْسَ
 بْنَ أَبِي حَازِمٍ كَبَّرَ عَلَى جَنَازَةٍ فَرَفَعَ يَدَيْهِ فِي كُلِّ تَكْبِيرَةٍ **حَدَّثَنَا** حُجْرُ
 بْنُ أَبِي بَكْرٍ الْمُقَدِّسِيُّ **ثَنَا** أَبُو مَعْنٍ يُونُسُ بْنُ الْوَلِيدِ عَنْ مُوسَى بْنِ وَهَّابٍ
 قَالَ رَأَيْتُ أَبَانَ بْنَ عُثْمَانَ يَصِلُ عَلَى الْجَنَازَةِ يَرْفَعُ يَدَيْهِ فِي أَوَّلِ التَّكْبِيرَةِ
حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ وَابْرَاهِيمُ بْنُ النَّدْرِ قَالَ **ثَنَا** مَعْنُ بْنُ عَمْرٍو
ثَنَا أَبُو الْفَضْلِ قَالَ رَأَيْتُ نَافِعَ بْنَ حَبِيبٍ يَرْفَعُ يَدَيْهِ فِي كُلِّ تَكْبِيرَةٍ عَلَى
 الْجَنَازَةِ **حَدَّثَنَا** أَحْمَدُ بْنُ الشَّيْخِ **ثَنَا** الْوَلِيدُ بْنُ مُسْلِمٍ قَالَ سَمِعْتُ الْأَقْبَنِيَّ
 عَنْ غُبَيْرِ بْنِ أَبِي نَيْسٍ قَالَ رَأَيْتُ عُمَرَ بْنَ عَبْدِ الْعَزِيزِ يَرْفَعُ يَدَيْهِ مَعَ كُلِّ تَكْبِيرَةٍ
 بِعَنِي عَلَى الْجَنَازَةِ **حَدَّثَنَا** عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ **ثَنَا** رَيْدُ بْنُ الْحَبَابِ **ثَنَا**
 عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الصَّلَاحِ قَالَ رَأَيْتُ مَكْحُومًا يُصَلِّي عَلَى الْجَنَازَةِ يَكْبُرُ عَلَيْهَا أَرْبَعًا
 يَرْفَعُ يَدَيْهِ مَعَ كُلِّ تَكْبِيرَةٍ **حَدَّثَنَا** عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ **ثَنَا** أَبُو

ہمیں سنئے وہ کہا کہوں کو غلامانہ پرستجو جہازہ کی نگہیں کھنڈ اور سپر چائیکسیرین اور فہرین کرتی نہ تیر تیر کہ ساتھ۔ حدیث کی ہم سے علی بن ابیہ

ب ٢٠

DUE DATE

٢٩٤٥٢

G200901.

ب ٢٠ ١٥٣٤٠ ٢٩٤٥٢

جزر فتح الدين في الصلوة

Date	No.	Date	No.
G200901.			
٢٧٥٤١			

١٥٣٤٠

